

نذری

● طیبه شامانی

بوی قیمه‌ی نذری
توی کوچه پیچیده
مادرم پلوها را
در کنار هم چیده

توی چشم او اشک است
روی صورتش لبخند
تا که می‌رسد هیئت
دود می‌کند اسفند

کوچه می‌شود آرام
بعدِ ظهر عاشورا
پخش می‌کنم من هم
قیمه‌های نذری را





پرچم سبز و قشنگی
توی دست کوچهی ماست
در دل این پرچم سبز
جمله‌ای از دور پیداست

باد می‌لرزاند آن را
مثل بال یک فرشته
پس چه جوری من بخوانم
روی پرچم چی نوشته؟!

آخرش را دیدم الآن
در پرانتز حرف عین است
آن نوشته روی پرچم
مطمئنم «یا حسین»^(ع) است

مثل بال یک فرشته

● مریم هاشم پور